

دامغان، جلوگیری از تخریب آثار باستانی، به ویژه از بین بردن امکان تخریب شهر از طریق سیل با احداث سیل بند و غیره و توسعه راه دامغان - چشمه علی - شمال، از جمله اقداماتی است که می تواند در بهبود وضع زندگی ساکنان این مناطق و نیز جذب توریست بسیار موثر واقع بشود.

(به امید آن روز)

با گل واژه های منوچهر دامغانی

محمد عظیمی

لطافت نگاه هنگامی به بلوغ می رسد که آبخور سرچشمه های نوازش گر و سبزینه های معطر، در اندیشه های شاعرانه متبلور شود و در شیوه موسوم به خراسانی، هیچ شاعری را یارای هم تراز با ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد نیست که گلزار جهان را با نغمه های پرندگان در کمال زیبایی و سادگی تشبیهات بیان نماید.

خاک پنداری به ماه و مشتری آستن است مرغ پنداری که هست اندر گلستان شیرخوار آگاهی از ادبیات عرب و علوم آن روز، تکامل بخش شاعری است که با طراوت سرزمینش، بهار آرامش و آسایش را فارغ از درد و غم می سراید و عشق به جهان شادمانه را نجوا می کند. با آنکه زمان دقیق تولد شاعر مشخص نیست، ولی می توان گفت که او در دوره ای می زیست که کومش، گرگان و طبرستان به عنوان یک ولایت در حوزه حکومتی آل زیار بودند و از دیگر سو با دولت غزنویان تحت سیطره حکومت عباسیان قرار داشتند. با توجه به شعری که شاعر خود را در دوره سلطنت مسعود غزنوی، برنا معرفی می کند، می توان گفت که تولد شاعر در دوره سلطان محمود بوده است. او از ملتقای جنگل و کویر، دل به مرکزیت حکومت بست و سالهایی از عمرش را در گرگان و مازندران به سربرد و نفعات این سرزمین رشک انگیز را در شعر خویش شکوفا کرد.

برآمد ز کوه ابر مازندران
چو مار شکنجی و ماز اندر آن
به سان یکی رنگی حامله
شکم کرده هنگام زادن گران

همی زاد این، دختر بر سپید
جز این ابر و جز مادر زال زر
پسر همچو فرتوت پنبه‌سران
نزدانند چونین پسر مادران

و شادی و شادخواری را در این ملک مضمضه می‌کند.

تا طرب و مطرب است مشرق و تا مغرب است تسا یمن و یثرب است آمل و استارباد
استارآباد به معنی عمارت و آبادی کوکب است چنان که صاحب تقویم البلدان گفته
است و مهلبی نیز گفته است که استراباد بلده‌ای است از بلاد مازندران.

محمد عوفی در کتاب لباب‌الالباب نیز به عمر اندک و فضل و دانش بسیار
منوچهری اشارت داشته است و شاعر به حسادت شاعران دیگر نیز پرداخته است.

حاسدم گوید که ما پریم و تو برناتری نیست با پیران به دانش مردم برنا فرین
در مورد عنوان شعری ابوالنجم احمد بن قوص چنان که مشهور است، برگرفته از نام
منوچهر بن قابوس و شمشگیر، پنجمین امیرزیاری می‌باشد. منوچهری در نوجوای به
کسب علم و تحصیل دانش پرداخت و علاوه بر آگاهی از علوم طب و دین و نحو،
اشعار فراوانی از شعرای عرب می‌دانست.

من بدانم علو طب و علم دین و علم نحو تو ندانی دال و ذال و راء و زاء و سین و شین
من بسی دیوان شعر تازیان دارم ز بر تو ندانی خواند الاهی بصحنک فاصبحین
علاوه بر این منوچهری دامغانی از موسیقی آگاهی داشته و آلات و ادوات آن را نیک
می‌شناخت. وجود نواهای فراوان به همراه نام رامشگران بزرگ در اشعارش فراوان
است.

کبک ناقوس‌زن و شارک ستورزن است فاخته نای‌زن و بط شده طنبورزن
پرده راست زند نارو بر شاخ چنار پردهٔ باده زند قمری بر سارونا

این دو بیت زیبا در حقیقت نمایی بدیع از یک ارکستر موسیقی‌ست که هنرمندان
چیره‌دستش، پرندگان خوش‌الحان، با ریتم خاص صوتی خویش هستند. در این
مجال اندک حضور آلات موسیقی و مقام‌های آن را با نام نوازندگان و موسیقی دانان

برجسته در شعر منوچهری مرور می‌نماییم.

ناقوس: نام زنگی بزرگ است که از سقف کلیسا آویخته شده و با مهره‌ای سنگین به
صدا درمی‌آید، همچنین نام چوب درازی است که ترسایان برای خیرکردن به نماز،
آن را به چوب دیگری به نام وییل می‌زنند. کبک ناقوس‌زن و شارک ستورزن است و
در شعر منوچهری تعریف دوم مورد نظر بوده است.

چون ضمیری بزند کبک دری در هزمان بزند لقلق بر کنگره ناقوسی

سنتور: یکی از قدیمی‌ترین و کامل‌ترین ساز ایرانی است که ساخت آن را به ابونصر
فازابی نسبت می‌دهند. سنتور جعبه‌ای چوبین به شکل ذوزنقه است که بر روی آن
دو ردیف خرک تعبیه شده است که از هر روی خرک چهار رشته سیم هم‌کوک عبور
داده شده است. سنتور دارای ۹ خرک بوده و به وسیله دو مضراب نواخته می‌شود.
نای، نی: از سازهای محلی ایران که سابقهٔ آن به پنج هزار سال پیش می‌رسد و از یک
لولهٔ استوانه‌ای از جنس نی می‌باشد که طول سراسر آن از هفت "بند" و شش "گره"
درست شده و به همین دلیل به آن نی هفت بند می‌گویند. شاعر فاخته را به خاطر
صدای نرم و حزن‌انگیزش نوازندهٔ نی می‌داند و به جهت آوازش او را "کوکو"
می‌گویند.

«این زند بر چنگ‌های سفدیان پالیزبان وان زند بر نای‌های لوریان آزادوار»
«خنیاگرات فاخته و عندلیب را بشکست نای در کف و طنبور در کنار»
«غراب بین نای شده‌ست و من سته شدم ز استماع نای او»
«بر سر سرو زند پرده عشاق تندر ورشان نای زند بر سر هر مغروسی»
«فاختگان همبر بنشاستند نای‌زنان بر سر شاخ چنار»

از دیگر سازهای نام برده شده در اشعار منوچهری، طنبور است.

طنبور از کهن‌ترین سازهای زخمه‌ای سرزمین ما است که بر اساس مجسمه‌های به
دست آمده از شوش و هفت‌تپه متعلق به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌باشد.

ابن خردادبه اشاره به نواختن طنبور میان مردمان طبرستان و دیلم و ری نموده است و فارابی تئوری‌دان مشهور موسیقی ایران، ضمن تشریح طنبور، طنبور بغدادی و طنبور خراسان را دست‌ان‌بندی کرده است. این ساز دارای شکمی گلابی‌شکل و دسته‌ای دراز است که بر روی آن از ده تا پانزده پرده بسته می‌شود.

درّاج کشد شیشم و فالوس همی بی‌پرده طنبور و نی و رشته چنگ

فاخته نای زن و بط شده طنبورزنا

چنگ موخمیده که از ابداعات ایرانیان است، در شعر منوچهری نیز دارای جایگاهی خاص است.

«ور همی چفته کند قد مرا گو چفته کن چفته باید چنگ تا بر چنگ ترک آوا کند»

«این زند بر چنگ‌های سفیدبان پالیزبان وان زند بر نای‌های لوریان آزادوار»

«بساز چنگ و بساور دوبینی و رجزی که بانگ چنگ فرو داشت عندلیب رزی»

آوای ساز در سبزینه‌های دیار زیاریان نشان از دم غنیمتی شاعرگران‌قدر و شادمانی سبکبار می‌باشد و گویای توه مردمان به موسیقی نیز هست. نغمه‌پردازی نای، طنبور، سنتور، چنگ و چنگ سفیدی، چغانه، ارغنون، آینه پیل، ریاب، بریط و ناقوس، در ابیات مختلف هنرنمایی می‌کنند و زند و افان بهی با آواز خوش، زخمه بر ساز زیر و ستا می‌زنند.

زند و افان بهی زند ز بر برخواندند بلبلان وقت سحر زیر و ستا جنباندند

منوچهری با ذکر نام باربد، موسیقیدان مشهور دربار خسرو پرویز، رامتین و بامشاد از معبدین، وهب موسیقی‌دان معروف صدر اسلام و منصور بن جعفر معروف به زلزله‌رازی موسیقی‌دان و عودنواز معروف معاصر هارون و مأمون عباسی یاد می‌نماید و از دستگاههای موسیقی و نغمه‌های متداول در آن عصر، شعر خویش را زینت می‌بخشد.

خوبتر از باربد، نیکتر از بامشاد

بلبل باغی به باغ دوش نوایی نبرد

بند شهریار، سبزه بهار، پالیزبان، آزادوار، باغ شهریار، شیشم، فالوس، تخت اردشیر، پرده راست، پرده باده، پرده عشاق، ناقوس، گنج فریدون، دل‌انگیزان، نوش لبینان، باغ سیاوشان، ستا، (مروستاه)، تخت اردشیر، مهرگان خردک، سپهدان، و راهوی از نغمه‌های دل‌انگیز موسیقی ایران زمین بوده است که متأسفانه بخش‌های فراوانیاز آن به فراموشی سپرده شد و نام این نغمات را تنها در میان اشعار منوچهری دامغانی می‌توان یافت.

«کبکان بر کوه به تک خاستند بلبلکان زیر و ستا خواستند»

«قمری همی سراید اشعار چون جریر صلصل همی نوازد یک جای بم و زیر»

«چون مطربان زنند نوا تخت اردشیر که مهرگان خردک و گاهی سپهدان»

شاعر طرب و طبیعت با خوش‌باشی جهان‌گذران را طی می‌کند و تنوع موضوعات در آثار برجای مانده نیازمند بررسی و کنکاش است. نگاه حماسی او در برخی ابیات، توجه او را به قصه‌های شاهنامه و افسانه‌های مشهور نشان می‌دهد و احتمالاً شاهنامه ابومنصوری و فردوسی را مطالعه کرده است.

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک چو بیژن در میان چاه او من

ثربا چون منبژه بر سر چاه دو چشم من بدو چون چشم بیژن

همی زاد این، دختر بر سپید پر همچو فرتوت پنبه سران

جز این ابر و جز مادر زال زر نزدانند چونین پسر مادران

منوچهری دامغانی در حوزه ادبیات فارسی، طبیعت‌گرایی نادر، شادی سرایی منحصر و تصویرگری ظریف است و بهاریه‌های قدرتمند او با رنگ‌آمیزی سحرانگیز واژگان، شاعر را هم‌طراز شعرای بزرگ پارسی‌گوی سرزمین ما و از پایه‌گذاران نگاه دقیق و موشکافانه از جهان اطراف نموده است.

منابع:

- ۱- امامی افشار، احمدعلی. گزیده اشعار منوچهری دامغانی. چاپ ششم. (انتشارات بنیاد، ۱۳۷۴).
- ۲- نصیری فر، حبیب‌الله. مردان موسیقی سنتی و نوین ایران. چاپ چهارم. (انتشارات راد، ۱۳۷۰).
- ۳- ابن خردادبه. السالک والممالک. چاپ اول. (چاپ مهرات، ۱۳۷۰).
- ۴- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد. دیوان. به کوشش دبیرسیاقی، محمد. (انتشارات زوار، ۱۳۶۳).
- ۵- ذبیحی، مسیح‌الله. استرآباد نامه. (انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۸).
- ۶- معطوفی، اسدالله. تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد. چاپ اول. (انتشارات علوم طبیعی پدیده گرگان. ۱۳۷۶).
- ۷- مهرآبادی، میترا. تاریخ سلسله زیاری. چاپ اول. (دنیای کتاب، ۱۳۷۴).

بررسی ابتکارات شعری منوچهری دامغانی

محمد متحدی

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد بن احمد منوچهری دامغانی شاعر خوش ذوق، با استعداد، صاحب سبک و بلند آوازه اوایل قرن پنجم هجری قمری بود. شاعری که بهره اش از دنیای فانی عمر کوتاهی بود و در عنفوان جوانی بدنمای باقی شتافت. منوچهری شاعر جوانی و لذت جویی بود. مرگ هنگامی این شاعر جوان و با احساس را در برگرفت که همه وجودش زندگی بود و شعر و شادابی. هوش و ذکاوت منوچهری به اندازه ای غنی و پر بار بود که در عمر کوتاه بهره وافر از علوم زمان نصیبش گردید و اگر اجل سالیانی دیگر به او مهلت می داد تا یافته ها و اندوخته های علمی اش را به منصف ظهور برساند بسیاری از اما و اگرها که پیرامون زندگی و شعر او بیان می شود جای خود را به نظریات صریح و شفاف داده، ارزش علمی و هنری این شاعر خوش قریحه بیش از اینها نمایان می شد. آنچه که منوچهری در دوران زندگی مختصر اما پر ثمر از خود به جای گذاشت حاکی از درک صحیح و عمیق او از شرایط زمان و مکان و همچنین احاطه او بر علوم عصر خود بویژه زبان و ادب فارسی و عربی است. سخن گفتن از سبک شعری منوچهری و ابتکاراتی که این شاعر شیرین سخن در اشعار خود بکار برده و شناخت شأن و مرتبه و جایگاه منوچهری در ادبیات منظوم فارسی بدون مطالعه و بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی و سیر تحول شعر فارسی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری نتایج دقیق و کاملی حاصل نخواهد شد. بنابر این ضرورت ایجاب می کند برای وارد شدن به بحث اصلی ابتدا تحلیل مختصری از اوضاع سیاسی اجتماعی و